

پیدایش ایش 11

- 1 و تمام جهان را يك زبان و يك لغت بود.
- 2 و واقع شد که چون از مشرق کوچ می‌کردند، همواری‌ای در زمین شنعار یافتند و در آنجا سکنی گرفتند.
- 3 و به یکدیگر گفتند: «بیایید، خشتها بسازیم و آنها را خوب بپزیم.» و ایشان را آجر به جای سنگ بود، و قیر به جای گچ.
- 4 و گفتند: «بیایید شهری برای خود بنا نهیم، و برجی را که سرش به آسمان برسد، تا نامی برای خویشتن پیدا کنیم، مبادا بر روی تمام زمین پراکنده شویم.»
- 5 و خداوند نزول نمود تا شهر و برجی را که بنی‌آدم بنا می‌کردند، ملاحظه نماید.
- 6 و خداوند گفت: «همانا قوم یکی است و جمیع ایشان را يك زبان و این کار را شروع کرده‌اند، و الآن هیچ کاری که قصد آن بکنند، از ایشان ممتنع نخواهد شد.
- 7 اکنون نازل شویم و زبان ایشان را در آنجا مشوش سازیم تا سخن یکدیگر را نفهمند.»
- 8 پس خداوند ایشان را از آنجا بر روی تمام زمین پراکنده ساخت و از بنای شهر باز ماندند.
- 9 از آن سبب آنجا را بابل نامیدند، زیرا که در آنجا خداوند لغت تمامی اهل جهان را مشوش ساخت. و خداوند ایشان را از آنجا بر روی تمام زمین پراکنده نمود.

اعمال رسولان ایش 2

- 1 و چون روز پَنْطیکاست رسید، به یک دل در یکجا بودند.
- 2 که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند پر ساخت.
- 3 و زبانه‌های منقسم شده، مثل زبانه‌های آتش بدیشان ظاهر گشته، بر هر یکی از ایشان قرار گرفت.
- 4 و همه از روح‌القدس پر گشته، به زبانهای مختلف، به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید، به سخن گفتن شروع کردند.
- 5 و مردم یهود دیندار از هر طایفه زیر فلک در اورشلیم منزل می‌داشتند.
- 6 پس چون این صدا بلند شد گروهی فراهم شده، در حیرت افتادند زیرا هر کس لغت خود را از ایشان شنید.
- 7 و همه مبهوت و متعجب شده به یکدیگر می‌گفتند، مگر همه اینها که حرف می‌زنند جلیلی نیستند؟
- 8 پس چون است که هر یکی از ما لغت خود را که در آن تولد یافته‌ایم می‌شنویم؟
- 9 پارتیان و مادیان و عیلامیان و ساکنان جزیره و یهودیه و کِیْدُکیا و پَنْطُس و آسیا
- 10 و فَرِیجِیّه و پَمْفَلِیّه و مصر و نواحی لیبیا که متصل به قیروان است و غربا از روم، یعنی یهودیان و جدیدان
- 11 و اهل کَرِیت و عَرَب، اینها را می‌شنویم که به زبانهای ما ذکر کبریایی خدا می‌کنند.

یوحنا ایش 14

- 22 یهودا، نه آن اسخریوطی، به وی گفت، ای آقا چگونه می‌خواهی خود را به ما بنمایی و نه بر جهان؟
- 23 عیسی در جواب او گفت، اگر کسی مرا محبت نماید، کلام مرا نگاه خواهد داشت و پدرم او را محبت خواهد نمود و به سوی او آمده، نزد وی مسکن خواهیم گرفت.
- 24 و آنکه مرا محبت ننماید، کلام مرا حفظ نمی‌کند؛ و کلامی که می‌شنوید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.
- 25 این سخنان را به شما گفتم وقتی که با شما بودم.
- 26 لیکن تسلی‌دهنده یعنی روح‌القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد.
- 27 سلامتی برای شما می‌گذارم، سلامتی خود را به شما می‌دهم. نه چنانکه جهان می‌دهد، من به شما می‌دهم. دل شما مضطرب و هراسان نباشد.
- 28 شنیده‌اید که من به شما گفتم می‌روم و نزد شما می‌آیم. اگر مرا محبت می‌نمودید، خوشحال می‌گشتید که گفتم نزد پدر می‌روم، زیرا که پدر بزرگتر از من است.
- 29 و الآن قبل از وقوع به شما گفتم تا وقتی که واقع گردد ایمان آورید.

30 بعد از این بسیار با شما نخواهم گفت، زیرا که رئیس این جهان می‌آید و در من چیزی ندارد.

31 لیکن تا جهان بداند که پدر را محبت می‌نمایم، چنانکه پدر به من حکم کرد همانطور می‌کنم. برخیزید از اینجا برویم.